

زنان در بطن حیات اجتماعی فرهنگی نقش آفرین هستند

21 اردیبهشت 1404

معاون رئیس جمهور در امور بانوان گفت: زنان ایران زمین از آغاز شکل گیری تمدن تا امروز در بطن حیات اجتماعی، فرهنگی و غیره نقش آفرین بوده اند.

زهره بهروز آذر در پیامی برای همایش «زن در تاریخ محلی ایران، پهنه شمال» اظهار کرد: آغاز این همایش وزین را به برگزارکنندگان گرامی پژوهشگران پرتلاش و تمامی اندیشمندان و فرهنگ‌سازان این بخش از میهن عزیزمان صمیمانه تبریک می‌گویم. افسوس که امکان حضور در این گردهمایی ارزشمند را نیافتم، اما به واسطه اهمیت موضوع، وظیفه دانستم کلامی هرچند کوتاه در همراهی با این حرکت علمی بیان کنم.

معاون رئیس جمهور گفت: بی‌گمان زنان ایران زمین از آغازین لحظات شکل‌گیری تمدن تا امروز در بطن حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی این سرزمین حضوری فعال و تأثیرگذار داشته‌اند؛ حضوری که به هیچ‌وجه به محیط خانه محدود نبوده و گستره‌ای از کشاورزی و دامداری گرفته تا صنایع بومی، آموزش غیررسمی، انتقال سنت‌ها، مشارکت در دانش و آفرینش ادبی را در بر می‌گرفته است. با این حال، آنچه از این واقعیت در روایت‌های رسمی تاریخ باقی مانده، سهمی اندک و سایه‌وار است.

وی در پیام خود افزود: همواره گفته شده است که ساختار مردانه تاریخ‌نگاری، عامل این حذف یا کم‌نمایی بوده است؛ ساختاری که در آن، صداها، غیررسمی و زیسته، به‌ویژه صدای زنان، مجال ورود نیافته‌اند. بی‌تردید، این تحلیل بخشی از واقعیت را روشن می‌کند. اما بسنده کردن به آن، خطری در خود دارد: اینکه به جای واکاوی علل عمیق‌تر، تنها به تحلیلی آشنا و تکرارشونده بچسبیم. گاه چنین تحلیلی، بی‌آنکه بخواهد، به نوعی «خطای شناختی جمعی» بدل می‌شود؛ سپری که در پشت آن از مواجهه با ریشه‌های پنهان‌تر و مسئولیت‌های ناگفته گریزان می‌مانیم.

بهروز آذر خاطر نشان کرد: واقعیت آن است که مردانه بودن تاریخ، پیش و بیش از آن‌که نتیجه مستقیم یک نظام آگاهانه مردسالار باشد، «نشانه وجود یک مسئله ساختاری در سازوکار ثبت و روایت تاریخ» است؛ مسئله‌ای که زنان نیز به‌گونه‌ای ناخواسته، در تداوم آن نقش داشته‌اند. بسیاری از نقش‌هایی که آنان ایفا کرده‌اند، آن‌چنان در بطن زندگی و ساختارهای روزمره تنیده بوده که به‌صورت امری «بدیهی» زیسته شده و نیازی به ثبت، دفاع یا تبیین نیافته است. این «بدیهی‌سازی» نقش‌ها، شاید خود یکی از دلایل خاموش ماندنشان باشد.

وی ادامه داد: از سوی دیگر، باید پذیرفت که تاریخ، به‌طور سنتی و ساختاری، صدای عرصه‌های رسمی قدرت است؛ سیاست، سلطنت، جنگ، قانون‌گذاری. حال آنکه بسیاری از زنان، در عرصه‌هایی فعال

بوده‌اند که به‌رغم اهمیت‌شان، کمتر وارد حافظه مکتوب شده‌اند - عرصه‌هایی چون اقتصاد محلی، شبکه‌های عاطفی، آموزش سنتی، حمایت‌های اجتماعی، و تولید فرهنگی شفاهی. شکاف میان آنچه زنان «زیسته‌اند» و آنچه «نوشته شده»، بزرگ‌تر از آن است که تنها با ارجاع به سلطه مردانه فهمیده شود. برای پرکردن این فاصله، باید ساختار روایت را بازنگری کنیم و از خود بپرسیم: «چرا برخی فضاها تاریخی شده‌اند و برخی دیگر نه؟ چرا برخی صداها ثبت شده‌اند و برخی، حتی اگر پرتنین بوده‌اند، در حافظه ما خاموش مانده‌اند؟»

معاون رئیس جمهور در بخش دیگری از پیام خود صریح کرد: پاسخ به این پرسش‌ها ما را از سطح به عمق می‌برد. ما را به آنجا می‌برد که ببینیم چگونه عادت‌های فرهنگی، شیوه‌های زیستن، نظام‌های ارزش‌گذاری و حتی برداشت خود زنان از جایگاهشان، در کنار ساختارهای رسمی قدرت، در شکل دادن به سکوت تاریخی آنان نقش داشته است. در این مسیر، باید از تلاش‌های خستگی‌ناپذیر نهادهایی چون «انجمن زنان پژوهشگر تاریخ» یاد کرد؛ نهادی که طی بیش از دو دهه فعالیت پیگیر، کوشیده است با برگزاری همایش‌های علمی، مجالس نکوداشت و نشست‌های فکری، بستری برای روایت زنان در تاریخ فراهم آورد. همچنین بهره‌گیری هوشمندانه این انجمن از ظرفیت سایر نهادهای مدنی، از جمله همراهی با انجمن ایرانی تاریخ، نمونه‌ای از هم‌افزایی موفق است.

وی گفت: امروز که بیش از هر زمان دیگر به مشارکت فعال، گفت‌وگوی بین‌فرهنگی و حفظ انسجام ملی در عین تنوع فرهنگی نیاز داریم، برگزاری چنین همایش‌هایی با محوریت زنان که نیمی از سرمایه فکری و تخصصی ایران عزیز هستند، گامی بلند در مسیر توسعه پایدار فرهنگی و تاریخی است. از همراهی نهادهای اجرایی، مراکز علمی و رسانه‌ها نیز باید قدردانی کرد؛ این همدلی نشان از بلوغ فرهنگی و درک اولویت‌های امروز ایران دارد.